

ولاء و پیوند میان جوامع مسلمان با اتکای بر شبکه ولاء در اندیشه امام خمینی (ره)

محمد اسماعیل نباتیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

چکیده:

ولاء و پیوند میان مسلمانان و برائت از کافران، از تعالیم بنیادی اسلام در حیات اجتماعی محسوب می‌شود که شکل‌دهنده هویت واحدی تحت عنوان امت واحده می‌باشد. امام خمینی (ره) در مسیر مبارزه و نیز در دوره حاکمیت، ولاء میان جوامع مسلمان را راهبردی اساسی تلقی نمودند. ویژگی ولاء میان جوامع مسلمان در اندیشه امام خمینی (ره)، نظام‌مندی و غایتمندی ولاء است. سؤال اصلی مقاله این است که در اندیشه امام (ره)، پیوند میان جوامع مسلمان در قالب چه نظام و الگویی امکان‌پذیر است؟ در پاسخ، با بهره‌گیری از نظریه شبکه ولاء آیت‌الله آصفی، این فرضیه بررسی می‌شود که امام (ره) ولاء و پیوند میان جوامع مسلمان را در چارچوب یک نظام و شبکه با غایت تقرّب الهی امکان‌پذیر می‌دانند. در این نظام ولاء - برائت که از سه بُعد طولی (مناسبات جامعه با خدا و اولی‌الامر)، عمقی (میراث الهی و سنت معصومین) و عرضی (روابط و مناسبات امت اسلامی) برخوردار است، بُعد عرضی (پیوند میان جوامع مسلمان) تابع دو بُعد طولی (ام‌القراء) و عمقی (سنت و تاریخ معصومین) است. بُعد عمقی بسترساز فکری و تبیین‌کننده حدود و ثغور شبکه ولاء و هویت‌بخش دو بُعد دیگر است و بُعد طولی تأمین‌کننده اقتدار و امنیت لازم برای بُعد عرضی و رابطه انسان‌های مسلمان است. این نظام ولایی، از یک سو بر پیوند میان «خود» (مسلمانان) و از سوی دیگر بر برائت از «غیر» (کفار) مبتنا دارد.

واژگان اصلی: امام خمینی، ولاء، شبکه ولاء، مسلمانان.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

واعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ (آل عمران، ۱۰۲) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما آلفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید».

ولاء و پیوند میان مسلمین و برائت از کفار، از آموزه‌های مؤکد اجتماعی قرآن کریم است (آل عمران، ۱۰۲؛ فتح، ۲۹) که در سیره رسول خدا (ص) و ائمه (ع) جاری بوده است. تبلور بیرونی این آموزه، امت واحده اسلامی است. گرچه مسئله ولاء از گذشته میان مسلمانان مطرح بوده، اما در سده‌های اخیر و پس از تهاجم نظامی، سیاسی و فرهنگی غرب به سرزمین‌های اسلامی و در مواجهه با استعمار و مفاهیم تفرقه‌افکن نظیر ناسیونالیسم، به عنوان یک مسئله مورد توجه متفکران مسلمان قرار گرفت.

امام خمینی (ره) به عنوان فقیهی که موفق به برپایی انقلاب و تشکیل حکومت شدند، اتحاد اسلامی و پیوند میان جوامع مسلمان را یک راهبرد در مسیر مبارزه و نیز دوره حاکمیت‌اش مدنظر داشتند. براساس مبانی انسان‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، انسان ذاتاً موجودی غایت‌نگر است و غایت اصلی او در نظام هستی، سعادت است که محصول تناسب میان مبدأ خلقت و غایت انسان است: «تناسب غایات با مبادی غایات معتبر است؛ زیرا هر غایتی از مبدأ غایت نشأت می‌گیرد؛ اگر مبدأ الهی و فوق‌الطبیعه باشد، غایت الهی و فوق‌الطبیعه است... و بالجمله، مبدأ هرچه باشد، غایت متناسب با اوست» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۰۵-۳۰۶) و «محال است که غایت با مبدأ مناسب خود، ملایمت نداشته باشد». (همان: ۳۰۶) به همین علت، غایت و نتیجه اعمال در گزینش آنها تأثیر دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۷۲) سعادت غایی در اندیشه امام، قُرب الهی است (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۳۸۰) و نیل به قُرب الهی مستلزم التزام علمی و عملی است. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۶۵) اساساً محرک انسان، همان غایت حرکت اوست، خواه دنیوی باشد یا اخروی، مادی باشد یا معنوی. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۸۷) این غایت‌نگری را می‌توان در طول مبارزه و نظام‌سازی پس از آن مشاهده نمود.

یکی از طرق تحقق تناسب میان مبدأ و غایت در میان مسلمانان، ولاء و نظام مبتنی بر ولاء میان جوامع مسلمان است. در این راستا امام با تعریف جمهوری اسلامی به عنوان امّ القراء، سرزمین‌های اسلامی را دارالاسلام بر محور آن قلمداد نمودند. این روابط غایت‌محور را می‌توان در قالب شبکه ولاء ترسیم کرد. شبکه ولاء یک الگوی قرآنی از جامعه است که بر ساختاری سه ضلعی، شامل: ضلع عمقی (سنت تاریخی و سیره معصومین)، طولی (مناسبات طاعت-تسلیم جامعه با خدا و اولی الامر) و

افقی (رابطه میان جوامع مسلمان)، قوام یافته است. این نظام ولایی با التصاق و پیوستگی این سه ضلع محقق می‌شود که از یک سو بر ولاء و پیوند میان «خود» (مسلمانان) و از سوی دیگر بر برائت از «غیر» (کفار) مبتنا دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۱۰-۳۱۱؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۳ و ج ۱۷: ۴۳۶ و ج ۹: ۲۷۳)

با این مقدمه، این سؤال مطرح می‌شود که در اندیشه امام خمینی، پیوند میان جوامع مسلمان در قالب چه نظم و صورتی امکان‌پذیر است؟

در پاسخ، این فرضیه بررسی می‌شود که امام خمینی پیوند میان جوامع مسلمان را در چارچوب یک نظام و شبکه با غایت تقرّب الهی امکان‌پذیر می‌داند. در این نظام ولاء - برائت، ضلع افقی که ناظر بر پیوند میان جوامع مسلمان است، حاصل تناسب ضلع طولی با ضلع عمقی است که در واقع، ضلع عمقی مبانی، حدود و ثغور بُعد طولی را تعریف و تبیین می‌کند و بُعد طولی اقتدار و امنیت لازم برای تکوین ضلع افقی (ولاء و پیوند میان جوامع مسلمان) را تأمین می‌کند.

تبیین مفاهیم

۱. مفهوم شبکه ولاء

شبکه ولاء از مفاهیم بدیعی است که آیت‌الله محمد مهدی آصفی با هدف ترسیم یک جامعه آرمانی از قرآن کریم استخراج کرده است. شبکه ولاء با غایت سوق دادن انسان مسلمان به حیاتی مؤمنانه و تقرّب الهی، مشتمل بر یک ساختار سه ضلعی طولی، افقی و عمقی است؛ به عبارتی، پیوند انسان مسلمان با مسلم و با خدا و ولاء الهی در این قالب سه ضلعی تبلور می‌یابد.

خطوط طولی ناظر بر رابطه فرد انسان مسلمان با مجموعه‌ای از رهبران الهی در مسیر حاکمیت الهی است که انسان را به خداوند و رسول و اولیای امور متصل می‌کند. این خطوط، از یک سو بر حاکمیت (نظیر رابطه دولت اسلامی با شهروندان) و از سوی دیگر بر طاعت و تسلیم (رابطه انسان با خدا و امام) مبتنا یافته است. (آصفی، ۱۳۶۶: ۱۷ و ۲۰) خطوط افقی بیانگر ارتباط انسان مسلمان با جماعت مسلمین در چارچوب امت اسلامی است. (آصفی ۱۳۹۳: ۱۹) خطوط عمقی مبین ارتباط فرد مسلمان با عمق تاریخ و سیره اولیا و اوصیا، یعنی سنت است. این سنت حلقه متصله آحاد امت اسلامی محسوب می‌شود. (همان: ۱۷-۱۸ و ۲۱۴ و ۲۱۵)

دو مفهوم قرآنی «سلام» و «نصیحت» متغیرهای اساسی در جهت‌دهی به این ساختار می‌باشند. مفهوم «سلام» پیونددهنده میان اضلاع این ساختار و زیرساختارها برای دستیابی انسان مسلمان به

غایت پیوند و ولاء الهی است. نکته مهم در این سیستم، ابتدای آن بر مرزبندی عقیدتی است و اساساً ولاء برای ارتباطات انسان مسلمان تعریف شده است که در براءت با کفار معنا پیدا می‌کند. (آصفی ۱۳۹۳: ۴۵۴) مفهوم سلام به معنای امنیت از تجاوز و زشتی در وجوه مختلف آن و پالایش و تطهیر ارتباطات انسان مسلمان از زشتی، خصومت، خیانت، مکر، نیرنگ و سوءظن و ... است. (آصفی، ۱۴۱۷ق: ۴۵۴ و ۴۵۸) در واقع مفهوم سلام در تأسیس امت، مسئله روبنایی نیست، بلکه در عمق حیات اجتماعی و روابط میان انسان مسلمان ریشه دارد و انسان مسلمان را به آن حیات اجتماعی پیوند می‌زند. (همان: ۱۰۴) امتداد سلام و آثارش در شبکه ارتباطات انسان مسلمان همانا تعاون، برداری، عفو، صلح و همکاری و ... است. (همان: ۱۰۵)

متغیر سلام در سطح افقی و امت، از دو حیث بررسی می‌شود: ریشه‌ها و زمینه‌های سلام در نفس انسان، و آثار و ثمرات سلام در حیات اجتماعی انسان مسلمان. از جمله ریشه‌ها و زمینه‌های سلام در نفس انسان عبارت است از: حبّ و محبت به خداوند (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۹: ۲۴۷)، اعتماد و حسن ظن (حجرات، ۱۲)، برادری و اخوت (حجرات، ۱۰)، لزوم یکپارچگی و همدلی مسلمانان (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۴۸)، به طوری که امام صادق (ع) در تبیین آن می‌فرماید: «هرکس جماعت مسلمانان را به اندازه یک وجب [از تن] جدا کند، میثاق خود را با اسلام از گردنش درآورده است». (همان: ۲۶۷) از جمله آثار و پیامدهای مهم «سلام» در حیات اجتماعی انسان مسلمان عبارت است از: تعاون در امور معروف (مانده، ۲)، تألیف قلوب (انفال، ۶۲-۶۳)، صلح و مصالحه (حجرات، ۱۰)، عفو و گذشت (آل عمران، ۱۳۴ و نور، ۲۲)، تناصح و نصیحت متقابل (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۴: ۳۵۸)، مدارا (حجر، ۸۸، مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۵۳)، خوشرویی (متقی هندی، ۱۳۶۴، ج ۷۶: ۲۰)، پرهیز از بدگویی (قلم، ۱۰؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۲۶۴) و پرهیز از غیبت (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۲۵۴) و ... سلام در دایره ارتباطات عمومی و امت محور در حقیقت رابطه به شیوه «فائنه منک و أنت منه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۷۰) است که این رابطه استوارترین انواع روابط میان انسان‌هاست. مبانی ولاء در این دایره عبارت است از: مبنای عاطفی (نظیر دوری قلب از حقد و کینه و توجه به محبت)، مبنای مسئولیت اجتماعی که بر اصل وحدت اسلامی اتکا دارد، و امنیت و مصونیت و حرمت انسان مسلمان. (آصفی، ۱۳۶۶: ۱۵۱ و ۱۵۸ و ۱۶۳)

متغیر مهم دیگری که به مناسبات و روابط در شبکه ولاء جهت می‌دهد، مفهوم قرآنی «نصیحت» است. نصیحت به دو معنای خیرخواهی در گفتار و کردار، و پیرایش و خالص کردن رابطه

با دیگران از هرگونه شائبه‌های زشت است. رسول خدا (ص) در بیان نقش نصیحت در جامعه می‌فرماید: «دین، نصیحت (خیرخواهی) است». گفتند یا رسول خدا (خیرخواهی) برای که؟ فرمود: «برای خدا، برای رسول خدا، برای پیشوایان دین و برای جماعت مسلمانان». (المنذری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۷۷) آن حضرت با این نصیحت، بهشت را ضمانت می‌کردند. در واقع، نصیحت و خیرخواهی برای خدا و رسول و قرآن، بُعد اعتقادی این مفهوم است؛ خیرخواهی برای ائمه مسلمین، بُعد سیاسی، و خیرخواهی برای جماعت مسلمانان، بُعد اجتماعی آن به حساب می‌آید.

نکته مهم اینکه این شبکه در غیریت‌سازی (برائت) با کفار قوام می‌گیرد و هویت خود را در مرزبندی اعتقادی تعریف می‌کند.

۲. مفهوم نظام‌سازی

قرآن کریم مجموعه فراگیر از اعتقادات، اخلاق و احکام در حوزه فردی و اجتماعی است که باید به طور یکجا مورد التزام قرار گیرد. غرض اصلی قرآن هدایت است. (عبدالحسین زاده و بابایی مجرد: ۵۸) یافتن نظام هدایتی در این کتاب عظیم، مبتنی بر نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، امری دست‌یافتنی و مقبول است. مفهوم نظام‌سازی در قالب تفکیک نظام‌سازی به نظام پژوهشی و نظام‌گزاری صورت می‌پذیرد. نظام پژوهشی ناظر به نظام‌شناسی (تکوینیات)ی، نظام‌یابی (تشریعیات) و نظام‌سازی (اعتباریات) است و نظام‌گزاری ناظر به اجرایی و عملیاتی کردن نظام‌های ایجاد شده است.

در تعریف نظام می‌توان گفت: «سیستم مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌های معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیط‌شان یک کُل را تشکیل می‌دهند». (رضائیان، ۱۳۸۴: ۶۵)

آیت‌الله خامنه‌ای در امر نظام‌سازی در جمهوری اسلامی معتقداند: «نظام‌سازی - که گفتیم امام بزرگوار ما براساس مبانی فقهی، نظام‌سازی کرد- یک امر دفعی و یکباره نیست، معنایش این نیست که ما یک نظامی را براساس فقه کشف کردیم و استدلال کردیم و این را گذاشتیم وسط و این تمام شد، نه، اینجوری نیست. نظام‌سازی یک امر جاری است، روز به روز بایستی تکمیل شود، تتمیم شود. ممکن است یک جایی اشتباه کرده باشیم. امام مهم این است که ما براساس این اشتباه، خودمان را تصحیح کنیم، خودمان را اصلاح کنیم، این جزو متمم نظام‌سازی است نه اینکه گذشته را خراب

کنیم. اینکه ما می‌گوییم نظام‌سازی جریان دارد معنایش این نیست که هرچه را ساختیم و بنا کردیم خراب کنیم، قانون اساسی مان را خراب کنیم، نظام حکومتی و دولتی مان را ضایع کنیم، نه، آنچه را که ساختیم حفظ کنیم، نواقصش را برطرف کنیم». (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، به نقل از: عبدالحسین زاده و بابایی مجرد: ۶۱)

در واقع، می‌توان نظام‌سازی را ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار در روابط میان اجزای یک مجموعه که باعث ایجاد کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به سوی هدف می‌شود، دانست. همچنین می‌توان نظام‌سازی را به دست آوردن عناصر پویای دین در ساحت‌های مختلف و عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی انسان دانست که موجب پاسخ‌گویی و هماهنگی اسلام با تغییرات زمانه می‌شود. (عبدالحسین زاده و بابایی مجرد: ۶۲)

نکته قابل توجه اینکه کارکرد نظام، یعنی اثر بلند مدت آن در رفع نیاز و نیازهای اجتماعی، را می‌توان تربیت انسان کامل و رشد و تعالی او دانست که برخوردار از سه شاخص ذیل است: رشد و تعالی دینی (برنامه‌ای)، رشد و تعالی ایمانی مومنان، و رشد و تعالی اجتماعی. (عبدالحسین زاده و بابایی مجرد: ۶۷)

۳. مفهوم پیوند و ولاء

در ادبیات سیاسی پیوند و ولاء دارای دو ویژگی است: پیوند درونی (معنوی) که به یک نقطه تشابه اشاره دارد و موجب ایجاد بنیاد عمیقی برای پیوستگی‌های عینی است که در اسلام به حبل‌الله تفسیر شده و بنیان مستحکم وحدت است. این ویژگی از بُعد عمقی شبکه ولاء نشأت می‌گیرد.

ب) پیوند بیرونی، توجه به خط تداوم پیوند درونی در حیات جمعی برای رسیدن به هدف یا اهداف تعریف شده فردی، اجتماعی، ملی و فراملی و بسط آن در ساخت‌ها و حوزه‌های مختلف است. در واقع این ویژگی مبین بُعد افقی شبکه ولاء است. (کلاثری و کتابی، ۱۳۹۵: ۲۱۰-۲۰۹)

اساساً نوع روابط و مناسبات و شبکه روابط در جوامع، وجه تمایز میان جوامع مختلف است. مبانی پیوند معنوی و بیرونی در جوامع مسلمان در عمل آنها را از جوامع «غیر» متمایز می‌کند و هویتی متفاوت به آنها می‌بخشد.

۴. مفهوم سلام

مفهوم سلام به معنای امنیت از تجاوز و زشتی در وجوه مختلف آن و پالایش و تطهیر ارتباطات انسان مسلمان از زشتی، خصومت، خباثت، مکر، نیرنگ، سوءظن و ... است. (آصفی، ۱۴۱۷ق: ۴۵۴ و ۴۵۸) در واقع این مفهوم در عمق حیات اجتماعی انسان مسلمان ریشه دارد. (همان: ۱۰۴) امتداد سلام و آثارش در شبکه ارتباطات انسان مسلمان همانا تعاون، ولاء، اخوت، عفو، صلح، همکاری و ... است. (همان: ۱۰۵)

متغیر سلام در سطح افقی شبکه ولاء، از دو حیث نقش آفرینی دارد: نخست، ریشه‌ها و زمینه‌های سلام در نفس انسان، و دوم، آثار و ثمرات سلام در حیات اجتماعی انسان مسلمان. از جمله ریشه‌ها و زمینه‌های سلام در نفس انسان عبارت است از: حُب و محبت به خداوند و رسول (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۹: ۲۴۷)، اعتماد و حسن ظن (حجرات، ۱۲)، برادری و اخوت (حجرات، ۱۰)، لزوم یکپارچگی و همدلی مسلمانان (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۴۸)، به طوری که امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرکس جماعت مسلمانان را به اندازه یک وجب [از تن] جدا کند، میثاق خود را با اسلام از گردنش درآورده است». (همان: ۲۶۷) از جمله آثار و پیامدهای مهم «سلام» در حیات اجتماعی انسان مسلمان عبارت است از: تعاون در امور معروف (مائده، ۲)، تألیف قلوب (انفال، ۶۳-۶۲)، طاعت و تسلیم خدا و رسول (نساء، ۵۹)، اعتصام به حبل‌الله (آل عمران، ۱۰۳)، صلح و مصالحه (حجرات، ۱۰)، عفو و گذشت (آل عمران، ۱۳۴ و نور، ۲۲)، تناصح و نصیحت متقابل (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۴: ۳۵۸)، مدارا (حجر، ۸۸، مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۵۳)، خوشرویی (متقی هندی، ۱۳۶۴، ج ۷۶: ۲۰)، پرهیز از بدگویی (قلم، ۱۰؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۲۶۴) و پرهیز از غیبت (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵: ۲۵۴) و ...

سلام در دایره ارتباطات عمومی و امت محور در حقیقت رابطه به شیوه «فأَنته منک و أنت منه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۷۰) است که این رابطه استوارترین انواع روابط میان انسان‌هاست. مبانی ولاء در این دایره عبارت است از: مبنای عاطفی (نظیر دوری قلب از حقد و کینه و توجه به محبت)، مبنای مسئولیت اجتماعی که بر اصل وحدت اسلامی اتکا دارد، و امنیت و مصونیت و حرمت انسان مسلمان. (آصفی، ۱۳۶۶: ۱۵۱ و ۱۵۸ و ۱۶۳)

۵. مفهوم برائت

برائت در لغت به معنای پاکی جستن، رهایی پیدا کردن و آزاد بودن، تبری و بی‌زاری جستن است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۲۴۰) و گسستن پیوند و ارتباط است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۴۵) برائت، به مفارقت و دوری از چیزی که انسان نسبت به آن کراهت دارد معنا شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۲۸۹؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۱: ۲۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۳۱)

برائت واژه‌ای قرآنی و درون‌دینی، به معنای گونه‌ای انقطاع قلبی و عملی از هرگونه رفتار، عقیده یا اهل باطل است. آیات متعددی بر برائت علنی رسول خدا (ص) از مشرکان و عمل شرک‌آلود آنان دلالت دارند، به طوری که در این تقابل هیچ‌گونه مودت، ارتباط و رابطه‌ی و لائی میان مسلمانان و مشرکان نبود و اگر مسلمانی بر خلاف این تقابل عمل می‌کرد، از ظالمان بود. (توبه، ۸ و ۲۳)

سیاق آیات سوره توبه نشان می‌دهد، در تحقق برائت سه گونه رفتار و در واقع، سه مرتبه از برائت تحقق می‌یابد: اول، قطع هرگونه ارتباط عملی و اجتماعی (مثل اجتماع مشترک در ایام حج و دادوستد) مگر روابطی که به جهت مصالحی خاص باشد؛ دوم، جنگ و سخت‌گیری بر مشرکانی که به دین طعنه زده و باعث آزار و اذیت مسلمانان می‌شوند؛ سوم، نباید به هیچ وجه میان مؤمنان و مشرکان رابطه‌ی و لاء برقرار باشد. (توبه، ۳، ۲۳، ۷۳ و ۱۱۳) بنابراین در برائت از کفر و شرک، سه گونه رفتار مشاهده می‌شود: مجموعه‌ای از رفتارهای عملی که به آن امر شده، مجموعه‌ای از رفتارهای عملی که از آنها نهی شده و مجموعه‌ای از رفتارهای قلبی، در کنار رفتارهای عملی، به گونه‌ای نفرت و عدم مودت را می‌رساند. (اعتصامی، ۱۳۹۷: ۴۴)

در قرآن کریم بارها تأکید شده که مؤمنان هیچ‌گونه رابطه‌ی و لاء نسبت به کافران نداشته باشند و این عدم رابطه همیشگی است. (آل عمران: ۲۸؛ نساء: ۸۹، ۱۳۹ و ۱۴۴؛ مائده: ۵۱ و ۵۷؛ اعراف: ۳؛ ممتحنه، ۱) روایات نیز مفهوم برائت را بر جدایی و انقطاع کامل، عداوت عملی و نفرت قلبی از کفار تعریف کرده‌اند. (کلینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۸۰؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۸۰) اساساً در تبارشناسی مفهوم برائت به مرزبندی میان اسلام و کفر، و هویت‌بخشی به مسلمانان در غیریت‌سازی با غیرمسلمانان دست می‌یابیم.

از نظر امام خمینی (ره) برائت بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر(ص) است که کهنه‌شدنی نیست و مسلمانان باید فضای عالم را از محبت و عشق به ذات حق، و نفرت و بغض عملی به اعداء الله لبریز کنند». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۴ و ۳۱۵)

شبکه و نظام ولاء - برائت در اندیشه امام خمینی(ره)

ولاء و پیوند میان جوامع مسلمان به عنوان ضلع افقی شبکه ولاء، از غایت سعادت و تقرّب الهی گذر می‌کند. در این راستا، حرکت انسان در دنیا براساس یک نظام سامان می‌یابد و این نظام در مسیر و رهنمایی توحیدی شکل می‌گیرد. از این روست که امام خمینی(ره)، هم در عمل و هم در نظر به ویژه در فقه، در اندیشه نظام‌سازی و حرکت دادن جامعه در مسیر انقلاب و تأسیس یک نظام است تا دولتی هادی با رسالت حرکت جامعه به سوی سعادت و تقرّب الهی شکل گیرد. مفهوم قرآنی سلام نقش تعیین کننده‌ای در این حرکت و ساماندهی دارد.

رویکرد نظام محور امام در مسئله وحدت را می‌توان با بهره‌گیری از نظریه شبکه ولاء آیت‌الله آصفی به روشنی تبیین کرد. (نباتیان، ۱۳۹۶: ۹-۲۶) همان طور که اشاره شد، شبکه ولاء دارای سه ضلع طولی، افقی و عمقی است. آنچه در اندیشه امام درباره پیوند میان مسلمین مطرح است، شکل‌گیری ضلع افقی و مناسبات میان آحاد مسلمانان در ابتدای بر دو ضلع دیگر است که توأمان نظم ویژه‌ای را سامان می‌دهند. در واقع رابطه عمقی جوامع مسلمان با عمق تاریخ، سنت و سیره معصومین(ع) است که رابطه طولی جامعه مسلمانان با خدا و رسول و اولی الامر در قالب تسلیم و طاعت نیز از آن متج می‌شود. این نظم در چارچوب یک شبکه به مناسبات مسلمانان جهت می‌دهد و مسیر تقرّب الهی و سعادت انسان مسلمان را روشن می‌سازد و هویت خاص اسلامی را در غیریت با جوامع کفر رقم می‌زند.

۱. گزاره‌های ناظر بر ضلع عمقی شبکه ولاء در اندیشه امام خمینی(ره)

رابطه عمودی با عمق تاریخ، سنت و تمدن گذشته در سلامت روابط انسانی در جامعه نقش بسیار پررنگی دارد، به طوری که اساساً قرآن کریم، «امت» را حلقه‌های ممتد در طول تاریخ می‌داند که دارای رویکرد فکری - سیاسی واحدی می‌باشند. (آصفی، ۱۳۶۶: ۲۰۰. رک: مریم، آیه ۴۱ و ۵۱ و ۵۴ و ۵۶: هود، آیه ۱۲۰؛ احقاف، آیه ۳۵؛ احزاب، آیه ۲۱؛ حشر، آیه ۱۰؛ ص، آیه ۱۷ و ۴۱ و ۴۵ و ۴۸)

نگاه امام خمینی(ره) به حیات انسان بر توحید و تناسب مبدأ و غایت استوار است؛ از این رو نظام اجتماعی را با ابتدای بر توحید و ربوبیت الهی و غایت متّج از این مبدأ، یعنی تقرّب به ذات حق، ترسیم و تنظیم می‌کند. مبادی و مبانی این نظام اجتماعی بر سنت الهی و تاریخ و سیره و سنت معصومین(ع) استوار است. در واقع این سنت است که ولاء و برائت را تعریف کرده و مناسبات ولاء

و مرزبندی میان اصحاب و لاء و اهل کفر را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی، راهگشا و راهنمای عمل و حرکت در یک نظام است؛ به طوری که نقطه عزیمت اتحاد و پیوند، از جهان‌بینی واحد شروع می‌شود که به عمل واحد می‌رسد. (جمشیدی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۴)

در کلام امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی از دل سنت فقهی - که با اصطلاح سنت رسول‌الله و سنت انبیا و اولیا بیان شده - نشأت می‌گیرد و احیا و سپس حفظ این سنت از وظایف مؤمنین از جمله مردم ایران است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۲۵ و ج ۵: ۲۸۳) امام در بیان نظام مطلوب و شبکه و لاء، به جامعه صدر اسلام اشاره می‌کند. به طوری که در صحیفه امام بیش از پانصد بار از حوادث صدر اسلام و دوره حاکمیت رسول خدا (ص) یاد می‌کنند و آرزوی خود را بازگشت به صدر اسلام و تشکیل نظامی مشابه صدر اسلام می‌دانند: «ما حالا آرزوی این را داریم که حکومت ما شباهتی به حکومت صدر اسلام پیدا کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۰۴؛ همو، ج ۸: ۱۳۲) و «ماها که در اینجا هستیم، همه یک کلام داشته باشیم و او اسلام، جمهوری اسلامی، برگشت به صدر اسلام [باشد]». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۵۱)

به اعتقاد امام (ره)، اگر سنت فقهی کامل اجرا شود، طرح جامع و کاملی است که نیازی به تکمیل توسط ایدئولوژی‌های جدید در آن وجود ندارد. (زائری و اعلمی، ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۷۷) در واقع شبکه و لاء تبلور سنت فقهی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۹۳) اساساً امام برتری دوره صدر اسلام را نسبت به دوره‌های دیگر حیات مسلمین را مطابقت بیشتر آن با سنت فقهی می‌دانند. (زائری و اعلمی، ۱۳۹۲: ۱۷۷)

از نظرگاه امام، بازگشت به سنت‌های جاری در صدر اسلام مستلزم تحول روحی در مردم است که با دست غیب الهی و عنایت امام زمان حاصل می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۴) این بازگشت یک رجعت معنوی و اخلاقی به صدر اسلام است: «آنچه میزان حکومت و مربوط به اجتماع و سیاست است، ارزش‌های معنوی است». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱) مفهوم قرآنی که بر این تحول روحی و رجعت معنوی دلالت می‌کند، مفهوم سلام است. یکی از مفاهیم اساسی قرآنی که در شکل‌دهی به جامعه صدر اسلام نقش اساسی داشت، «سلام» است. مفهوم «سلام» پیونددهنده میان اضلاع سه‌گانه ساختار و زیرساختارها برای دستیابی انسان مسلمان به پیوند و لواء الهی است. مفهوم سلام در عمق احیای اجتماعی انسان مسلمان ریشه دارد. (آصفی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۴)

متغیر سلام اقتباس یافته از سنت و سیره الهی و نبوی است و براساس آن مبانی، در تنظیم روابط در سطح افقی جامعه، نقش آفرینی می‌کند. اساساً نگاه امام به نقش سنت تاریخی صدر اسلام، بازتولید آن در حیات اجتماعی جوامع امروز مسلمان است: «چنین روحیه فداکاری، یعنی همان روحیه‌ای که در زمان رسول الله برای مردم پیدا شده بود و در ظرف نیم‌قرن مسلمین را بر تقریباً دنیای آن روز غلبه داد، این روحیه در ملت ما پیدا شده بود که خودشان را با شوق و اشتیاق می‌خواستند فدا بکنند. آنچه ما را غلبه داد این روحیه بود، فلسفه نبود، جهان‌بینی نبود، اسلام‌شناسی نبود، هیچ این حرف‌ها نبود». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۹۲، و ج ۹: ۳۹) در این راستا داشتن جامعه مشابه با جامعه صدر اسلام را مستلزم فعال شدن سنت‌ها و مناسک، از جمله نمازهای جمعه و جماعات در مساجد و مراکز نماز جمعه، زیارت مراقد ائمه و اولیاء در امور اجتماعی و سیاسی می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۸۴) ایشان تجربه موفق این تداوم سنت را جامعه انقلابی ایران معرفی می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۱۳۸) که با عبور از سنت اجتماعی مسلمین در حذف ابعاد سیاسی - اجتماعی از دین، سنت اجتماعی مطلوب مسلمین را در تمسک به سنت فقهی بر محور ولایت فقیه دانسته‌اند: «اینکه امروز به ولایت فقیه چندان توجهی نمی‌شود و احتیاج به استدلال یافته، علتش اوضاع اجتماعی مسلمانان عموماً و حوزه‌های علمیه خصوصاً می‌باشد». (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۹)

در اینجا به اصول و مؤلفه‌هایی که از منظر امام خمینی در تکوین شبکه ولایت تعیین‌کننده

می‌باشند، می‌پردازیم.

۱-۱. توحید و ربوبیت الهی

توحید از اصول دین و مهم‌ترین بنیان پیوند میان مسلمانان است که همه گزاره‌های اسلامی در حیات اجتماعی به این مفهوم اساسی برمی‌گردد. در واقع، توحید اساس بُعد عمقی شبکه ولایت است که دو ضلع دیگر این شبکه بر آن قوام می‌یابد. در اندیشه امام خمینی، غایت حیات و نظام اقتباس شده از آن بر توحید استوار است و از آن منتج می‌شود و اساساً تناسب میان مبدأ و غایت، ضرورت حیات محسوب می‌شود. امام توحید عقیده و به تبع، توحید کلمه را از مقاصد بزرگ و مؤثر در تشکیل مدینه فاضله می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۰۹-۳۱۰)

نکته قابل توجه در توحید، برائت از خدایان دروغین در عین اقرار به یگانگی الله می‌باشد. تبلور

توحید در حیات اجتماعی، ولایت میان مسلمانان و برائت و بیزاری از دشمنان خداست: «اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است...». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۴) این

نگاه توحیدی به پیوند میان جوامع مسلمان در اندیشه علمای اهل سنت نیز مشاهده می‌شود؛ از جمله شیخ محمود شلتوت، مفتی برجسته الازهر و از حامیان تقریب، وحدت در کثرات (انسان‌ها) را بر منشأ و مبدأ واحد مبتنی می‌داند: «وحدت اصل و یگانگی معبود مقتضی آن است که شاخه‌ها به هم پیوندند و همگی حقوق خویشاوندی انسانی را درباره هم منظور دارند. معبود ما از پراکندگی بندگانش ناخشنود است». (شلتوت، ۱۳۵۹: ۷۵، به نقل از: جمشیدی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۹)

اساساً توحید مبدأ و مبنای ولاء میان جوامع مسلمان است و همه عبادات و رفتارهای آنها در جهت جلب رضایت الهی و حرکت براساس تشریح او تعریف شده است، به طوری که وجه تمایزشان با دیگر جوامع شده است.

۱-۲. تولی و تبری

تولی و تبری در مفاهیم دوستی خدا، دوستان خدا، انبیا، ائمه معصوم و مؤمنان، و دشمنی با خدا و دشمنان خدا و دشمنان انبیا و اولیای الهی است. (طباطبائی، ۱۴۰۲: ج ۵: ۱۹۶؛ تبریزی، ۱۴۱۷: ج ۳: ۴۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۶۶) این دو از فروع دینی اسلام به شمار می‌روند و هر مسلمانی باید با اهل حق دوستی کند و از اهل باطل بیزاری جوید. آیات متعددی بر تولی و تبری دلالت دارند. این آیات، از یک سو بر ولاء میان مسلمانان تأکید دارند، نظیر: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۱)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند» و «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱)؛ مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند». از سوی دیگر، از ولاء با کفار برحذر داشته: «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ» (آل عمران، ۲۸) و به برائت با آنها تکلیف می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ» (توبه، ۲۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دهند آنها را ولی (دیوار و یاور و تکیه‌گاه) خود قرار ندهید...». قرآن در داستان حضرت ابراهیم (ع) به تبری جستن حضرت از عمویش اشاره کرده و می‌فرماید: «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّى مِنْهُ» (توبه، ۱۲۴)؛ چون بر او (ابراهیم) آشکار و ثابت شد که (عمویش) دشمن خداست (چون بت تراش است) از او بیزاری جست».

ولاء و برائت در سیره رسول خدا (ص) به روشنی مشاهده می‌شود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹)؛ محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند».

امام خمینی (ره) به عنوان فقیه و مفسر، بر این اصل اساسی در حیات اجتماعی مسلمانان تأکید

دارند: «مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و براءت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۴)

۳-۱. اعتصام به حبل الله

در اندیشه اسلامی، چون نظام هستی محدود به عالم ماده نمی‌باشد، سعادت و کمال انسانی نیز در قلمرو مادی خلاصه نشده، بلکه گستره آن از دنیا تا قیامت را دربر می‌گیرد. فرد و جامعه برای نیل به آن، لازم است به عوامل مهمی تمسک جویند که یکی از ابزارهای محکم و مفید، «قرآن» است؛ چراکه خداوند تمام تعالیم و دستورات لازم برای نیل به مقامات والا و تقرّب الهی را در آن ابلاغ نموده و دستور به تمسک به آن داده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا». (آل عمران، ۱۰۳) مفسران در معنای «حبل الله» گفته‌اند که مراد، قرآن کریم است و در مفهوم وسیع‌تر آن، «ارتباط با خدا» می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۳۱۶)

امام خمینی (ره) با توجه به آیه مزبور می‌فرماید: «ملت‌ها و دولت‌ها اگر بخواهند به پیروزی و هدف‌های اسلامی به تمام ابعادش که سعادت بشر است برسند باید اعتصام به حبل الله کنند، از اختلاف و تفرقه بپرهیزند». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۷۰) امام خمینی که با وجود اینکه در رأس حکومت بودند، جایگاه خویش را مرهون همین امر دانسته و با روح بلند توحیدی و گسستن از همه امور غیرالهی می‌فرمود: «خودمان هیچیم... خمینی هیچ کاره است. کار دست یک بزرگی است که او انجام داد... همه با هم باید توجه کنیم به خدای تبارک و تعالی و با اتکال به خدای تبارک و تعالی، ان شاء الله پیروز می‌شویم». (همان، ج ۱: ۴۲۲)

پس، سعادت فرد و جامعه مرهون توجه به ذات باری تعالی، و رابطه با آن از طریق کتاب آسمانی و حبل‌المیتین الهی است. بنابراین، تردیدی نیست که توحید و یکتاپرستی مهم‌ترین عامل برای نیل به سعادت فرد و جامعه است و اگر سعادت از جمله غایت اصلی حکومت اسلامی به شمار می‌آید، بر مبنای اصالت همین اصل (توحید) می‌باشد؛ زیرا از نگاه ایشان، توحید روح تعالی انسان بوده و هیچ اصلی جایگزین آن نخواهد شد.

اساساً در اندیشه امام خمینی، سمت‌گیری و نقطه عزیمت ولایت و پیوند میان جوامع مسلمان، اعتصام و تمسک و تثبّت به حبل الله است. در واقع این توحید در غایت است که انسان‌های متکثر را پیرامون آن متحد می‌سازد و فطرت‌ها نیز به این سمت تمایل دارند: «باور به مبدأ واحد و مظهر

وحدت، وحدت آفرین است؛ چون او منشأ و اساس الفت، همبستگی و وحدت است: «هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین و آلفَ بین قلوبهم اول انفقت ما فی الأرض جمعاً ما آلفت بین قلوبهم و لكن الله آلفَ بینهم إنه عزیزٌ حکیمٌ». (انفال: ۶۲-۶۳) خداوند در بیان دیگری با صراحت امر به اعتصام به حبل‌اللهی به صورت متحد و جمعی نموده و از تفرق نهی کرده است: «واعتصموا بحبل‌الله جمعاً و لا تفرقوا». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۳۴)

از منظر امام خمینی، اجتماع مطلوب، تنها اجتماعی است که در پرتو توحید و اعتصام به ریسمان الهی شکل می‌گیرد. در واقع پیوند و ولاء واقعی از باور به مبدأ واحد و مظهر وحدت، نشأت می‌گیرد. خداوند متعال قرآن را نازل فرمود تا افراد با تمسک به آن، به عالم بالا تقرب داده شوند و به مقام والا برسند؛ بنابراین می‌فرماید: «واعتصموا بحبل‌الله جمعاً و لا تفرقوا». (آل عمران: ۱۰۳) امام در تبیین نقش حبل‌الله در اتحاد و پیوند دنیوی و اخروی انسان مسلمان معتقدند: «همه اعتصام به حبل‌الله بکنید؛ همه برادر باشید تا در بهشت هم - اخوان بر آن سروری که هستید در مقابل هم - برادر باشید. اگر اینجا برادری نباشد در آنجا هم بهشتی معلوم نیست باشد برای شما». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۴۷۶)

به اعتقاد امام، رسالت انبیا اجتماع کردن مردم در همه امور نبوده، بلکه مجتمع کردن مردم در راه حق بود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۳۱) و وحدت حقیقی، در مورد امر خدای تبارک و تعالی می‌باشد (همان، ج ۱۴: ۱۴۲) و ثمره آن نجات انسان، (همان، ج ۱۴: ۱۴۲) و تخلف از آن، گناه است. (همان، ج ۶: ۸۹) البته در عین حال، امام برای ولاء و پیوند میام مسلمانان را حظی از مطلوبیت قائل هستند. (همان: ۸۱) به طوری که در کتاب صحیفه امام، بیش از یکصد بار واژه وحدت و کلمات مترادف آن به کار رفته است.

۴-۱. مناسک حج

مناسک حج از مهم‌ترین تعالیم الهی است که از منظر امام خمینی، بستر و فضایی اثرگذار بر ولاء میان مسلمانان و برائت از کفار دارد. حج با توجه به آداب و اعمال خاص آن و حضور میلیون‌ها مسلمان در یک زمان و یک مکان مقدس، امکان تجربه رابطه و ولاء نسبت به یکدیگر و برائت از «غیر» را دارد و امام خمینی، حج را یک فریاد سیاسی - عبادی می‌داند که رسول‌الله (ص) به آن امر فرمود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۹۱) به همین دلیل، امام خمینی، ضمن برحذر داشتن از بی‌تفاوتی نسبت به مسئله ولاء و برائت (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۵)، حج را فقط در سایه پیوند و برائت، حج می‌داند: «مسلماً حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن

هَدَمَ کُفْرَ و شَرکَ بَرِنَیْئِد، حِجَّ نِیْسْت». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۷۸)

امام حج را فرصت مناسبی برای دعوت به ولای میان مسلمین و برائت از کفار می‌دانند: «از جمله وظایف در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان، در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در به وجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار لاله اله الله از تحت اسارت قدرت‌های شیطانی، اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند... رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است... اعتصام به حبل الله بیان هماهنگی جمیع مسلمین است». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۱۵۹)

۵-۱. قبله واحد

از تعالیم اساسی اسلام، انجام نماز به سمت کعبه در شهر مکه به عنوان قبله است. خداوند در قرآن، پیامبر(ص) و همه مسلمانان را به آن امر می‌کند: «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ: (بقره، ۱۴۹) و (ای رسول) از هر جا و هر دیار که بیرون شدی، رو به سوی کعبه کن و شما مسلمانان نیز هر کجا بودید روی بدان جانب کنید» و «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ (بقره، ۱۴۴)؛ پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن؛ و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید. در حقیقت، اهل کتاب نیک می‌دانند که این [تغییر قبله] از جانب پروردگارشان [بجا و] درست است؛ و خدا از آنچه می‌کنند غافل نیست».

بعد از نزول این آیات، «کعبه» به عنوان قبله مسلمین جهان انتخاب شد و نماد آن در همه مساجد مسلمانان با محراب به نمایش درآمده است، به طوری که همه مساجد دارای قبله واحد بوده و هیچ مسجدی سمت و سویی غیر از کعبه ندارد.

همه مسلمان در نمازهای جماعت یومیه، نماز جمعه، نمازهای اعیاد و ... به سوی قبله توجه نموده و نماز می‌خوانند. در محراب از طریق امام جماعت، این وحدت شکل می‌گیرد. عامل وحدت نمازگزاران و هماهنگی در حرکات و سکانات، در مکانی مقدس، چون محراب و حضور امام جماعت شکل می‌گیرد و محراب نقطه پرواز و عروج و نقطه اتصال زمین و آسمان از بُعد معنوی است.

این جهت‌گیری در رفتار دینی و عبادی که در روز پنج بار تکرار می‌شود و در اعیاد و جمعه‌ها نیز در سطحی گسترده‌تر انجام می‌شود، توحید در رفتار و عمل مسلمانان را موجب می‌شود

و در یک نظام، می‌تواند ضمن ترسیم مرزها، ولاء و پیوند در درون جامعه اسلامی را قوام بخشد.

۱-۶. مناسک اجتماعی و زیارت مراقد شریف

برخی از احکام اسلامی مبنی نظام اجتماعی اسلام است که در عین تعریف‌شان ذیل عبادت، دارای رسالت اجتماعی در جامعه اسلامی می‌باشند. امام خمینی از این مناسک و احکام به خوبی در تبیین ضرورت ولاء و هدایت جوامع مسلمان به سمت پیوند و تقرّب الهی بهره می‌برند. نمازهای جمعه و جماعات، زیارت مراقد شریف، حجّ با برائت، اعلام هفته وحدت، روز قدس و ... همه در جهت مصالح اسلام و موالات بین مسلمین است. (جمشیدی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۸۲) اساساً رابطه عمودی جامعه با عمق تاریخ و سنت‌های خود، هویت آن را شکل می‌دهد، به طوری که قرآن «امت» را حلقه‌های ممتد در طول تاریخ می‌داند که دارای رویکرد فکری - سیاسی واحدی می‌باشند. (آصفی، ۱۳۶۶: ۲۰۰. رک: مریم، آیه ۴۱ و ۵۱ و ۵۴ و ۵۶؛ هود، آیه ۱۲۰؛ احقاف، آیه ۳۵؛ احزاب، آیه ۲۱؛ حشر، آیه ۱۰؛ ص، آیه ۱۷ و ۴۱ و ۴۵ و ۴۸)

در واقع امت صالح مولود نسل‌های صالح گذشته است و امت فاسد، محصول نسل‌های فاسد گذشته می‌باشد و این سنت طبیعی در حیات انسان است. (اعراف، آیه ۵۸) یکی از طرق ارتباط با سنت و نسل‌های صالح گذشته، انجام مناسک، زیارت مراقد شریف انبیا، اولیاء و صلحا است. (آصفی، ۱۳۶۶: ۲۱۴-۲۱۵)

۲. گزاره‌های ناظر بر ضلع طولی شبکه ولاء در اندیشه امام خمینی (ره)

بُعد طولی شبکه ولاء تبلور بیرونی نظام‌سازی بُعد عمقی این شبکه است تا روابط و مناسبات میان انسان‌های مسلمان را تعریف و ترسیم نماید و در برابر کفار، اقتدار و امنیت آن را تضمین نماید. خطوط طولی ناظر بر رابطه انسان مسلمان با رهبری الهی در مسیر حاکمیت الهی است که تبلور خارجی آن، تشکیل نظام سیاسی است. در واقع حرکت در مسیر تقرّب الهی مستلزم اجرای شریعت است که در چارچوب یک نظام محقق می‌شود. در اندیشه امام خمینی، از زمینه‌های پیوند میان جوامع مسلمان، تبیین خطوط طولی و حرکت در راستای ربوبیت الهی است. مفهوم «سلام» در این خطوط تبیین‌گر رابطه سالم میان جامعه و حاکمیت الهی است و انعکاس بیرونی این مفهوم نظام و شبکه ولاء، محبت به خدا (بقره، ۱۶۵) و رسول و اولی الامر (شوری، ۲۳) و تسلیم در برابر خدا (بقره، ۲۸۵) و رسول و اولی الامر (نساء، ۵۹) و محبت و طاعت و تسلیم از ولی امر در عصر غیبت

می باشد. (آصفی، ۱۳۶۶: ۲۸ و ۳۸)

در اینجا به تبلور بیرونی مفهوم سلام در بُعد طولی شبکه ولای می پردازیم.

۱-۲. حاکمیت خداوند و اولی الامر

اعتقاد به ربوبیت الهی مبنای اعتقاد به یک نظام توحیدی است که مبدأ و مقصد حرکت انسان را واحد تعریف می کند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». (بقره، ۱۵۶) لازمه اعتقاد به ربوبیت الهی، پذیرش یک نظام طولی در جامعه است که رابطه میان خدا، رسول و اولی الامر با انسانها را در قالب طاعت و تسلیم تعریف می کند. (جمشیدی و ایران نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۹) اساس بُعد طولی شبکه ولای بر پذیرش ربوبیت الهی است که در اندیشه امام خمینی، در قالب ام‌القرآء ظهور و بروز پیدا می کند.

ام‌القرآء تبلور عینی اندیشه امام درباره ربوبیت الهی است. ولای و پیوند میان مسلمانان مستلزم یک نظم سیاسی است که براساس شریعت و با هدف هدایت و تقرّب الهی، تعریف و شکل می گیرد: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم... . تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنانکه حضرت زهرا، سلام الله علیها، در خطبه خود می فرماید: وَطَاعَتُنَا نِظَامًا لِلْمَلَأَةِ وَ إِمَامَتُنَا لِمَا لِلْفِرْقَةِ؛ (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۴۸۳) که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است». (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۳۶-۳۷)

۲-۲. مصلحت عمومی جامعه مسلمانان

نظام و جامعه مسلمانان مستلزم مصالحی است که در قالب روند و خطوط طولی تعریف می شود و زمینه‌ساز ولای میان آحاد جامعه اسلامی است. (جمشیدی و ایران نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۹) با عنایت به اختلاف عقاید میان مذاهب اسلامی، در ولای و پیوند میان جوامع مسلمان، توجه به مصلحت عمومی جوامع مسلمان ضروری است و تقیه مداراتی را توصیه می کنند. این تقیه، مرزبندی با کفار و برائت از آنها در برابر ولای اهل اسلام را تعریف می کند. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۷۴-۲۰۰)

۳-۲. حفظ نظام ولای

در سنت فقهی مورد تأکید امام، حفظ نظام از اعظم فرایض (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۵۳) و مقدم بر تمامی احکام فرعیه است. (همان، ج ۲۰: ۴۵۲) اهمیت حفظ نظام چنان است که به عنوان یک قاعده فقهی تلقی شده است. (شریعتی، ۱۳۹۴: ۳۹۵) امام در تأکید بر حفظ نظام می گویند: «امروز روزی است که باید تمام قدرت‌ها هماهنگ باشند و همه حفظ نظم بکنند که اگر نظام به هم بخورد،

وضعیت به هم می‌خورد و همه خودشان را فدایی اسلام بدانند... شما مهیا باشید، نروید سراغ اختلافاتی که خودشان دارند با هم، شما بین راه هستید. اختلاف‌ها را کنار بگذارید». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۰)

۲-۴. اصل اسلام به مثابه کانون نقل نظام‌سازی

در اندیشه امام، حفظ اسلام بالاترین واجبات و غایت اصلی و از ضرورت‌های اولیه به شمار می‌رود. همه مسلمانان بر حفظ اسلام معتقد هستند. «در اسلام، نژاد، گروه، دستجات، زبان، این‌طور چیزها مطرح نیست. اسلام برای همه است و به نفع همه. و ما با شما بردار هستیم به حکم قرآن، به حکم اسلام... همه برادر، همه مسلمان، همه اهل قرآن، همه تابع رسول اکرم (ص)». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۳۵۹) «ما ملت اسلام را، ترکش باشد، عربش باشد، عجمش باشد... هر جا می‌خواهد باشد، ما ملت اسلام را عزیز می‌داریم». (همان، ج ۹: ۳۸۱)

امام حفظ اسلام را در رأس فرایض می‌داند: «حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم تا خاتم النبیین (ص) در راه آن کوشش و فداکاری جان‌فروسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام (ع) با کوشش‌های توان‌فروسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۰۳)

۲-۵. اخوت

اخوت میان مسلمانان از آموزه‌هایی که هم قرآن بر آن تأکید دارد (حجرات، ۱۰) و هم در سیره رسول خدا (ص) تکلیف شده است. (شیبانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۶۱۷) امام خمینی اخوت میان مسلمانان را عامل صیانت از جوامع مسلمان قلمداد می‌کند: «اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الّا برادری خودمان را، انسجام پیدا کنیم... اگر همه مومنین در قطرهای اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بین‌شان انداخته است، همین یک دستور را عمل بکنند قابل آسیب دیگر نیست... این گرفتاری‌ها برای ما پیدا نمی‌شد». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۴۹۱)

یکی از ظهورات مفهوم سلام در جامعه از منظر امام، اخوت و مودت است: «مسلمین مأمورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست. و پرواضح است که این کبیره موبقه اگر رایج شود در بین جمعیتی، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه فساد در

جمعیت بدواند، درخت نفاق و دورویی در آنجا ایجاد کند، و برومند نماید، و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کند و پایه دیانت را سست کند و از این جهت بر فساد و وقبح آن افزوده گردد». (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۱۰-۳۱۱)

نقش برائت در شبکه ولای در اندیشه امام خمینی (ره)

برائت به معنای انقطاع قلبی و عملی از هرگونه رفتار، عقیده یا اهل باطل است. در کلمه توحید، یعنی لا اله الا الله، برائت مقدم بر ولای آمده است. امام خمینی با عنایت به نقش کفار در سلطه بر مسلمانان و عقب نگهداشتن آنها، همواره بر برائت از کفار تأکید می‌کردند: «اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هر چه بیشتر و بهتر برگزار شود». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۴) در واقع «اعلان برائت در هر عصر و زمانی جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند چه باید کرد؟ آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان‌ها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت پرست‌ها منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذ بالله پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بت‌ها پیش‌قدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند؟». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۶) امام فریاد برائت را یک فریاد سیاسی - عبادی تلقی می‌کند «که رسول الله، صلی الله علیه و آله، به آن امر فرمود». (همان، ج ۱۸، ص: ۹۱) امام برائت از مشرکان و کافران را امری کهنه شدنی نمی‌دانند: «سنت پیامبر صلی الله علیه و آله - و اعلان برائت کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردیدآفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند...». (همان، ج ۲۰: ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۹۴)

در دیدگاه امام خمینی (س) خاستگاه اصلی در برائت از مشرکان، همان «اصل توکی و تبری» است و ایشان هم اعلان برائت از مشرکان را از «ارکان توحیدی و واجبات سیاسی» می‌دانند. (همان، ج ۲۰: ۳۱۴)

اساساً شبکه ولاء در تقابل با برائت از کفار معنا پیدا می‌کند و هویت جوامع مسلمان را در غیریت با کفار تعریف می‌نماید. از این رو است که نظام ولاء - برائت امکان تحقق می‌یابد.

نتیجه‌گیری

ضلع افقی در شبکه ولاء ناظر بر روابط و ولاء میان انسان مسلمان با افراد یا نهادهای هم‌سطح در جامعه است. این ضلع به عنوان یک از اضلاع سه‌گانه شبکه ولاء و در تحقق این شبکه، نسبت به دو ضلع عمقی و طولی تأخّر رتبی دارد، به طوری که مبانی و حدود و ثغورش از ضلع عمقی و سنت و سیره الهی استخراج و استنباط می‌شود و نظام مندی و سازماندهی این روابط بر ضلع طولی و مناسبات منتج از ربوبیت الهی و حاکمیت خداوند ابتدا می‌یابد.

از منظر امام خمینی (ره)، غایت حیات انسان، سعادت و تقرّب الهی است که محصول تناسب مبدأ و غایت می‌باشد. با عنایت به مبدأ واحد، یعنی خداوند متعال، غایت ممتد از آن نیز واحد است: «إنا لله و إنا إليه راجعون» و پیوند میان آحاد و جوامع مسلمان در راستای این غایت ضرورت پیدا می‌کند. دستیابی به پیوند و ولاء میان مسلمانان مستلزم ترسیم و اقامه یک نظم خاص است که براساس نظریه شبکه ولاء، می‌تواند در چارچوب یک نظام سه ضلعی عمودی، طولی و افقی تحقق یابد. با عنایت به تقدم رتبی ضلع عمودی و طولی بر افقی که همان پیوند میان مسلمانان است، ابتدا گزاره‌های ناظر بر ضلع عمودی شبکه ولاء در اندیشه امام خمینی را تبیین شد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: توحید و ربوبیت الهی، توکی و تبری، اعتصام به حبل‌الله، قبله واحد و مناسک اجتماعی و زیارت مراقد شریف. اعتقاد و التزام به این تعالیم، مسیر و مرز نظام ولاء و پیوند آحاد مسلمانان را ترسیم می‌کند. در ادامه، گزاره‌هایی که نظام مندی و سازماندهی روابط جامعه را ترسیم می‌کند مورد بررسی قرار گرفت که عبارت است از: طاعت و تسلیم در چارچوب حاکمیت الهی یعنی ام‌القراء، مصالح عمومی جامعه، حفظ نظام، اصل اسلام و اخوت. مفهوم قرآنی سلام این روابط طولی را تعریف می‌کند. در واقع ام‌القراء حافظ و اعتلای این نظام است.

با بررسی گزاره‌های ضلع عمقی و گزاره‌های ضلع طولی در اندیشه امام خمینی، این فرضیه

اثبات گردید که امام پیوند میان جوامع مسلمان را در چارچوب یک نظام و شبکه با غایت تقرّب الهی امکان‌پذیر می‌دانند. این نظام ولاء - برائت با برخورداری از سه بُعد طولی (مناسبات جامعه با خدا و اولی الامر)، عمقی (سنت الهی و معصومین) و افقی (روابط و مناسبات درون امت اسلامی)، در واقع، بُعد افقی را که ناظر بر پیوند میان جوامع مسلمان است، ثمره اتکای بر ابعاد طولی (ام‌القراء) و عمقی (سنت و تاریخ معصومین) می‌دانند.

نتیجه اینکه در اندیشه امام، ولاء و پیوند میان جوامع مسلمان (ضلع افقی) در قالب و الگویی امکان‌پذیر است که از یک سو، بر سنت الهی، نبوی و ائمه (ع) و تکالیف و توامی آنها اتکا داشته باشد و به عنوان آبشخور تنظیم روابط و مرزبندی، مورد توجه آحاد مسلمانان و متفکران قرار گیرد؛ چراکه همه مسلمانان بر این مبانی و سنت اعتقاد و احترام و غالباً التزام دارند و در پی توحید در مبدأ، وحدت و پیوند در جامعه نیز تحقق می‌یابد.

از سوی دیگر، با نظام مندی و سازماندهی این روابط در قالب ام‌القراء و مناسبات منتج از ربوبیت الهی و حاکمیت خداوند و اولی الامر در آن، از یک طرف، سنت و شریعت الهی با تمسک به مفهوم سلام اقامه شده، و از سوی دیگر، با تحکیم راهبرد برائت در برابر «غیر» و کفار، به هویت بخشی و اقتدار و امنیت شبکه ولاء و جوامع مسلمان می‌پردازد. نکته شایان ذکر اینکه با وجود اعتقاد امام به سنت اجتماعی غلط در میان مسلمانان، با رویکرد اصلاحی به سنت در جوامع مسلمان، شکل‌گیری امت واحد در سایه برداشت خودشان از سنت را پی‌جویی می‌کردند.

کتابنامه

- آصفی، محمدمهدی (۱۴۱۷ق)، السلام فی الاسلام، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- آصفی، محمدمهدی (۱۳۶۶)، حق الامان فی المجالات المختلفة، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۶ق)، کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم السلام، تهران: مجمع اهل بیت (ع).
- اصفهان‌ی، راغب (۱۴۱۶ق)، المفردات فی الفاظ القرآن، بیروت: الدارالشامیه، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
- اعتصامی، عبدالمجید (۱۳۹۷)، مفهوم شناسی برائت و جایگاه آن در کتاب و سنت، امامت پژوهی، ۸(۲۴)، ۳۹-۷۵.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۲)، تقریرات فلسفه امام خمینی (س)، تقریر: سید عبدالغنی اردبیلی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، الرسائل، قم: موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۳)، حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸)، آداب الصلاة، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- تبریزی، میرزا جواد (۱۴۱۷ق)، صراط النجاة، بیروت: دارالاعتصام.
- جمشیدی، محمد حسین و ایران نژاد، ابراهیم (۱۳۹۱)، ویژگیهای همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه امام خمینی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱(۲)، ۱۶۱-۱۸۶.
- زائری، قاسم و زینب اعلمی (۱۳۹۲)، بررسی جهان مفهومی سنت در اندیشه امام خمینی (ره) نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱(۲)، ۱۹۰-۱۶۱.
- شریعتی، روح الله (۱۳۹۴)، قواعد فقه سیاسی، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل (۱۴۰۳ق)، فضائل الصحابه، بیروت: مؤسسه الرساله.

- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۳ق)، میزان، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- فتح الله، احمد (۱۴۱۵ق)، معجم الفاظ الفقه الجعفری، الدمام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق)، کتاب العین، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- کلاتتری، ابراهیم، و کتابی، اصغر (۱۳۹۵)، فرآیند وحدت جهان اسلام در اندیشه حضرت امام خمینی، پژوهشهای انقلاب اسلامی، ۴(۱۶)، ۲۰۸-۲۱۶.
- کلینی، محمد بن محمد یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کچویان، حسین (۱۳۸۵). تطورات گفتمان های هویتی ایران، ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد، تهران: نشر نی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن (پیام قرآن)، قم: هدف.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۶)، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم: احمد علی بابائی، تهران: دارالکتب اسلامیه.